

تحلیل ملاحظات گسترش مناسبات راهبردی ایران و چین

علی شمشیری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

چکیده: کشورهای جهان در راستای گسترش تعاملات توسعه‌ای، در پی گسترش روابط با قدرت‌های جهانی بوده که دارای نقش قابل توجهی در ابعاد مختلف جهانی هستند تا از این طریق بتوانند در دستیابی به سیاست‌های خود پتانسیل بیشتری داشته باشند. کشور ایران نیز پس از انقلاب اسلامی به صورت ویژه در پی گسترش روابط خود با کشورهایمانند چین بوده که در طی سال‌های اخیر توانسته‌اند نقش قابل توجهی در شبکه روابط جهانی داشته باشند. گسترش این روابط نیازمند ملاحظاتی بوده که در تعیین اولویت‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد. هدف این پژوهش تحلیل ملاحظات گسترش مناسبات راهبردی ایران و چین است که در نهایت اولویت‌ها در این زمینه را روشن می‌کند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و با روش تحلیل محتوای کیفی است. برپایه نتایج این پژوهش، ۲۰ مشاهده در گسترش روابط ایران و چین ارائه می‌شود. اولویت‌ها در زمینه گسترش روابط مبتنی بر نتایج پژوهش است.

واژگان اصلی: روابط بین‌الملل، گسترش مناسبات راهبردی، ایران و چین.

۱. دانش آموخته دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران.

مقدمه

چین هم‌اکنون دومین اقتصاد جهانی و عضو پیوسته شورای امنیت سازمان ملل متحد است. با رشد ۷/۵ درصدی اقتصاد چین، چه‌بسا در یک دهه آینده از آمریکا پیشی بگیرد. جمعیت فراوان، سرزمین بزرگ و توان اقتصادی، چین را مهمترین بازیگر دهه‌های آتی می‌کند. به لحاظ سیاسی نیز شرایط حاکمیت حزب کمونیست ثبات خوبی دارد. حزب پویای کمونیست، خود را با دگرگونی‌های جهانی و خواسته‌های داخلی هماهنگ کرده و نشان داده منعطف است. با ثبات داخلی، تداوم رشد بالای اقتصادی و عضویت در گروه قدرتمندان شورای امنیت سازمان ملل، نقش چین در معادلات جهانی روبه افزایش بوده و طی یک دهه آینده نقشی بی‌همتا خواهد داشت. با اینکه چین دارای فرهنگ و تاریخی غنی است، اما از این ظرفیت در پهنه خارجی کمتر استفاده کرده و بیشتر درونی بوده است. حاکمان چین تلاش گسترده‌ای را آغاز نموده‌اند تا با استفاده از اندیشه‌های کنفوسیوس، مراکز به همین نام در سراسر جهان برپا و فرهنگ چینی را ترویج نمایند. با این حال فرهنگ چینی برخلاف فرهنگ غربی تهاجمی نبوده و قصد دیکته کردن ارزش‌های خود را ندارد. در بُعد نظامی نیز چین در همه شاخه‌ها رو به پیشرفت است. در حوزه فضا (برپایی ایستگاه فضایی استقرار ماهواره‌های موقعیت‌یاب) به فعالیت مشغول است و در پی فرستادن انسان به کره ماه است.

افزون بر آن، با قراردادهایی که چینی‌ها با روسیه بسته‌اند، فناوری ساخت جنگنده و هواپیماهای مسافربری را به دست آورده و به سرعت در پی گسترش توانایی هوایی خود هستند. نخستین جنگنده دورپرواز و عمودپرواز چین، سال گذشته پرواز آزمایشی خود را انجام داد. در حوزه دریا نه تنها به ژرف‌ترین نقاط دریا دسترسی پیدا کرده‌اند، بلکه در پی تقویت ناوگان دریایی و ساخت ابرناوهای اقیانوس‌پیما هستند.

ایران، راهبرد هماهنگی با پدیده چین ندارد. از یک سو انتظارات فراوانی برای همکاری و کمک دارد و از سوی دیگر روند چین‌هراسی و چین‌ستیزی در سطوح جامعه، رسانه‌ها و افکار عمومی ایران جاری است. بخش‌هایی از جامعه و حکومت، کار با چین را راهبردی ندانسته و از سر ضرورت می‌پندارند. آن‌ها بیشتر روابط را کوتاه‌مدت دیده و امید به گشایش در روابط با غرب دارند. جدا از نوع و سطح روابط ایران با غرب، چین ظرفیت بزرگی است که همه جهان بدان وابسته است. اگر روابط ایران با جهان عادی و فشارها کمتر شود، شرایط کار با شرکت‌های چینی فراهم‌تر خواهد بود؛ چرا که دیگر چین از فشار تحریم آمریکا

نهراسیده و با آسودگی در ایران فعالیت خواهد کرد. چین بیش از یک تریلیون دلار با آمریکا و اروپا مرادۀ اقتصادی دارد؛ پس طبیعی است که این حجم روابط را قربانی ۳۰ میلیارد دلار مرادۀ با ایران نکند. اما با وجود فشارهای جهانی علیه ایران، چین بیشترین تلاش را برای برداشتن مشکلات و همکاری با ایران کرده است. ایران باید در همه سطوح حکومتی، افکار عمومی و نخبگان بدین جمع‌بندی برسد که کار با چین برای همه کشورها مهم است. چین اکنون بزرگترین شریک تجاری و اقتصادی بسیاری از کشورهای جهان است و ایران نیز به آن نیاز دارد. چین قدرت برتر جهان خواهد شد و می‌تواند نقشی یگانه در توسعه اقتصادی و همکار مطمئن در صحنه جهانی برای ایران باشد.

توانمندی‌های کشور چین شرایطی را آماده نموده که جمهوری اسلامی ایران نگاه ویژه به گسترش مناسبات راهبردی با چین داشته باشد. گسترش این روابط نیازمند شناخت و تحلیل درست بسترها و ظرفیت‌های توسعه مناسبات است. هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل زمینه‌ها، بسترها و ظرفیت‌های روابط ایران با کشور چین است. با توجه به این مهم، پرسش اصلی پژوهش آن است که جمهوری اسلامی ایران از ایجاد ائتلاف راهبردی با چین چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ برای پاسخ، این فرضیه به سنجش گذاشته می‌شود: جمهوری اسلامی ایران در پی آن است که با ایجاد ائتلاف راهبردی، از چین به عنوان یک شریک تجاری و متحدی راهبردی در نهادهای بین‌المللی بهره‌گیرد.

پیشینه پژوهش

غفاری و شریعتی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی گسترش روابط راهبردی ایران و چین از منظر نظریات اتحاد و همگرایی»، چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که چشم‌انداز همگرایی راهبردی میان ایران و چین چندان امیدوارکننده نیست و دو کشور در بهترین شرایط تنها به برخی همکاری‌های فرهنگی و هماهنگی‌های اقتصادی بسنده کنند. طابنده و متقی (۱۳۸۹)، در مقاله «عمل‌گرایی مرحله‌ای در روابط ایران و چین ۲۰۱۰-۲۰۰۱»، می‌گویند که در حوزه نظام بین‌الملل، هر دو کشور ایران و چین، نظم مورد نظر ایالات متحده را نپذیرفته و تلاش دارند تا این نظم را تغییر دهند. در این چارچوب، دو کشور می‌توانند مکمل یکدیگر شده و حوزه‌های همکاری خود را گسترش دهند. بنابراین، مقاله با بررسی نظام بین‌الملل

جدید، به چارچوب نظری چگونگی ظهور قدرت‌های جدید پرداخته و در ادامه با تبیین اولویت‌های سیاست خارجی چین پس از سال ۲۰۰۱، به الگوی مناسبات جمهوری اسلامی ایران و چین می‌پردازد. شریعتی‌نیا (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل تعیین کننده روابط ایران و چین»، نتیجه‌گیری می‌کند که برخی همپوشانی‌ها در سیاست خارجی دو کشور، مبادلات اقتصادی، نظامی و همکاری در حوزه انرژی، عوامل توسعه بخش روابط دو کشورند. از دیگر سو انتخاب استراتژیک چین و همکاری با قدرت‌های غربی، عوامل کاهنده این روابط به شمار می‌آیند».

صادقی و لطفی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ماهیت همکاری در روابط جمهوری اسلامی ایران و چین (۱۳۶۸-۱۳۹۴)»، به این نتایج می‌رسند: ماتریس قدرت کشور چین در نظام بین‌الملل، همواره در حال اوج گرفتن است. شاخص‌های برتری قدرت چین در ابعاد مختلف اقتصادی، نفوذ سیاسی و نظامی گسترش یافته و مورد توجه دستگاه دیپلماسی ایران است. ایران توسعه همکاری با این کانون ثروت و قدرت بین‌المللی را بخشی از اهداف ملی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شمارد.

روش پژوهش

با توجه به اینکه نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی است، به فراخور آن روش تحلیل محتوای کیفی گزیده شد. این پژوهش به منظور توصیف عینی و کیفی و محتوای مفاهیم، به صورت نظام‌وار انجام می‌شود. در واقع قلمرو این پژوهش را متن‌های مکتوب، شفاهی، تصویری و فضایی درباره موضوعی خاص تشکیل می‌دهد. برای تبیین مسئله پژوهش هم از نظریه چرخش قدرت و نقش، بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

ارائه ملاحظات در گسترش روابط میان ایران و چین

روابط کنونی ایران و چین را می‌توان خوب توصیف نمود که نهادینه نشده و فضا و فاصله بسیاری با شرایط مطلوب دارد. از یک سو بخشی از ایرانیان اعتماد چندانی به چین ندارند؛ از دیگر سو چینی‌ها هم نسبت به رفتار ایران ارزیابی درستی ندارند. برخی در ایران

خواستار رفتار جسارت‌آمیزتر چین در دفاع از ایران هستند و انتظار بسیاری از آن دارند. برخی دیگر که نگاه غرب‌گرایانه دارند، توانمندی‌های چین را کم ارزیابی کرده و جایگاه چندانی برای آن قایل نیستند. از دیگر سو، افکار عمومی و توده ایران نیز ارزیابی درستی از جایگاه و قدرت چین نداشته و حضور و قدرت آن را به کالاهای بی‌کیفیت و ارزان قیمت آن خلاصه می‌کنند (قاضی‌زاده و طالبی‌فر، ۱۳۹۰: ۲۱۵). در ایران گروه‌های مختلف به دلایل گوناگون ارزیابی درستی از نقش و سیاست چین در آینده ایران ندارند.

در چین نیز همین معادله حکم‌فرماست. برخی نسبت به رفتارهای ایران در نزدیکی به غرب تردید دارند و نگران آنند که ایران به متحد آمریکا تبدیل شده و نتواند دوست مطمئنی برای چین باشد. برخی دیگر که نگاه غرب‌گرایانه دارند، ایران را از زاویه غرب دیده و رفتار خارجی ایران را تشویش‌زا می‌دانند. برخی دیگر ماهیت نظام کمونیستی چین را با ایران و اسلام دوگانه دانسته و از اسلام‌گرایی در چین هراس دارند. برخی واقع‌گرایان چینی هم روابط با پنجاه کشور عربی را مهمتر از روابط با ایران می‌دانند. اما برخی، همچون رهبران چین بر این باورند که ایران متحد طبیعی چین است و باید آرام و بدون هیاهو با آن کار کرد؛ هرچند هنوز اعتماد کافی ندارند. در این راستا و هم‌سو با هدف پژوهش، ۲۴ مورد ذکر می‌گردد که با در نظر گرفتن آن‌ها توسط مسئولان سیاسی برای گسترش روابط با کشور چین، باید در نظر گرفته شوند.

- (۱) برقراری روابط استراتژیک میان ایران و چین با نگاه بلندمدت، در گفت‌وگوی تلفنی رییس جمهور چین با رییس‌جمهور کشورمان در ۲۹ آبان ماه سال جاری و هم در اظهارات دبیر شورای عالی امنیت ملی چین در دیدارهای آذرماه خود در تهران گفته شد. رییس‌جمهور چین گفت: «چین بر اساس یک چشم‌انداز درازمدت به روابط با ایران اهمیت می‌دهد و مایل به همکاری با تهران بر مبنای اعتماد متقابل برای عملی کردن همکاری‌ها است»؛
- (۲) تجربه گذشته نشان می‌دهد که چین در حوزه تعاملات سیاسی با جمهوری اسلامی ایران، همواره ملاحظات خاص خود را داشته و دارد. میزان و نحوه سفرهای دوجانبه مقام‌های ارشد چین، چگونگی حمایت‌های سیاسی از ایران، چرایی و تو نکردن قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ایران و...، همگی رویکرد محافظه‌کارانه چین را نشان می‌دهد. پس می‌بایست سطح توقع از چین را پایین آورد. درباره هرگونه همکاری اقتصادی و سیاسی میان ایران و چین باید بررسی بیشتری انجام شود؛

- (۳) چینی‌ها می‌دانند که در سطح بین‌المللی ایران تنها کشوری است که متحد آمریکا نیست. پس ایران می‌تواند نقشی راهبردی در خاورمیانه برای چین داشته باشد. آن‌ها باور دارند در آینده بلندمدت، ایران و چین با آمریکا رودررو خواهند شد (قاضی‌زاده و طالبی‌فر، ۱۳۹۰: ۲۱۵)؛
- (۴) نخبگان چین تمایل دارند رویارویی آشکار با آمریکا بر دوش ایران باشد و خود آن‌ها سیاست توازن و تنش‌زدایی را درپیش بگیرند. از این‌روست که در همکاری‌های سیاسی و کارشناسی، خود را ناتوان از رویارویی با قدرت آمریکا قلمداد می‌کنند. همچنین آمریکایی‌ها چین را رقیبی می‌دانند که از لحاظ اقتصادی، سیاسی و امنیتی به قلمرو آن‌ها یورش برده است؛
- (۵) بررسی‌ها نشان می‌دهد، خاورمیانه یکی از اولویت‌های مهم سیاست خارجی چین است. چینی‌ها برای خاورمیانه در سده ۲۱، اهداف استراتژیک بلندمدت در نظر گرفته‌اند. سیاست‌های متمرکز چین بر حوزه خلیج‌فارس، حول محور جغرافیای سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌چرخد (قاضی‌زاده و طالبی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۱۲)؛
- (۶) چین در دهه اخیر به دنبال نقش بیشتر در مسایل جهانی است (اشمیت، ۱۳۸۶). این کشور برای خارج نماندن از مسایل مهم مورد مناقشه جهانی، حضوری فعال در مسئله هسته‌ای ایران داشت. مخالفت سخت چین با تحریم ایران می‌توانست اروپا و آمریکا را وادار کند که خارج از چارچوب شورای امنیت برای مسئله هسته‌ای ایران چاره‌جویی کنند. البته پس از قطعنامه ۱۹۲۹، همین شد. چین و روسیه با تصویب قطعنامه‌های دیگر علیه ایران در شورای امنیت مخالفت و آمریکا و اروپا به تنهایی ایران را تحریم کردند. همچنان‌که اروپا و آمریکا به دنبال جلب همکاری چین هستند، چین نیز به دنبال ایفای نقش بیشتر در مسئله ایران است.
- (۷) گمان می‌رود ایران از نظر نظامی و امنیتی، نیازمند چین است؛ اما واقعیت چیز دیگری است. چین برای خودنمایی در نظام جهانی، به‌ویژه از سال ۲۰۳۰، نیاز به گسترش حوزه مانوری به مناطق دریایی، به‌ویژه خلیج‌فارس دارد. تنها کشوری که می‌تواند خواسته چین را در این عرصه برآورده سازد، ایران است. با توجه به این نگرش استراتژیک، ایران باید هوشمندانه در ترسیم روابط نظامی - امنیتی با چین بازی کند (یزدان‌پناه، ۱۳۸۹).

- ۸) عربستان سعودی برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند. عربستان متحد اصلی آمریکا در منطقه است. بنابراین هم خود و هم فشارهای واشنگتن در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، باعث شد تا از اهرم اقتصادی (نفت)، برای جلب حمایت چین از تحریم ایران استفاده کند. عربستان می‌کوشد نگرانی چین از تأمین نفت وارداتی را برطرف نماید؛
- ۹) فضای سرمایه‌گذاری ضعیف و فشار سیاسی بین‌المللی، باعث خروج شرکت‌های نفتی بین‌المللی از جمله رپسول، شل و توتال از ایران شد. شرکت‌های چینی با خروج شرکت‌های غربی به صنعت گاز ایران وارد شدند. آن‌ها تا سال ۲۰۰۹، سرمایه‌گذاری‌هایی در این بخش انجام دادند؛ اما به دو دلیل فعالیت این شرکت‌ها در صنعت گاز ایران کاهش یافت: الف) تحریم در معاملات مالی و فناوری که مشکلاتی را برای شرکت‌های چینی ایجاد کرد؛ ب) چین با مشاهده رشد مصرف داخلی گاز ایران، دریافت که در آینده‌ای بلندمدت نیز ایران صادر کننده بزرگی نخواهد شد. زیرا برآوردها نشان می‌دهد که با فرض کاهش ۱۰ درصدی مصرف، به واسطه افزایش قیمت گاز و همچنین با فرض تخصیص کلیه گاز مازاد مصرف به صادرات (تزیق نکردن در چاه‌های نفت)، سهم ایران از تجارت جهانی گاز در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ برابر با ۲/۵ درصد پیش‌بینی شود. قطر هم اکنون ۱۰ درصد از صادرات گاز جهانی را در اختیار دارد. پیش‌بینی‌ها حکایت از افزایش این سهم در آینده خواهد بود. از این روی ایران نمی‌تواند نیاز روزافزون گاز چین را تأمین کند و از این ابزار برای جلب حمایت چین بهره‌بردار.
- ۱۰) شروع احتمالی جنگ با ایران از سوی غرب، منافع چین و روسیه را در منطقه به خطر می‌اندازد. بروز ناآرامی در خاورمیانه و به‌ویژه تنگه هرمز - حتی در کوتاه‌مدت - امنیت انرژی چین را با مخاطرات جدی روبه‌رو می‌کند. چین به شدت به نفت خاورمیانه و انتقال دریایی آن وابسته است. اگر قیمت نفت افزایش یابد، هزینه‌های سنگینی بر رشد اقتصادی این کشور تحمیل خواهد شد. از سوی دیگر افزایش سلطه آمریکا در خاورمیانه، حضور نظامی آن در خزر و در واقع کنترل نبض نفت و گاز جهان، می‌تواند هدف چین و روسیه را درباره چندقطبی نمودن نظام بین‌المللی به تأخیر بیندازد. از این روی بی‌ثباتی در خلیج فارس، اختلال در عرضه نفت و قیمت‌های بالاتر ناشی از حمله به ایران، تهدیدی جدی برای امنیت نفت چین است. بنابراین چین تحریم ایران را بیش از جنگ ترجیح

می دهد (یزدان پناه، ۱۳۸۹).

(۱۱) انگیزه‌های چین و روسیه برای همراهی با تحریم‌ها، در کنار انگیزه‌های قوی برای جلوگیری از تحریم‌های جامع و بروز جنگ در خاورمیانه، می‌تواند علت رفتار دوگانه آن‌ها را در قبال مسئله ایران توجیه کند. فشارهای بین‌المللی می‌تواند باعث همکاری بیشتر چین شود. یکی از اصلی‌ترین این منابع کشور آمریکا است. روابط اقتصادی آمریکا و چین مهمترین بخش همکاری دوجانبه است. شرکت‌های چینی تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری در آمریکا دارند. منبع دیگر اعمال فشار، کشورهای عرب تأمین کننده انرژی چین هستند. در کنار این فشارها، پررنگ نمودن گزینه جنگ نیز می‌تواند همراهی بیشتر چین را در پی داشته باشد. در مجموع در سال‌های اخیر، هزینه‌های تضعیف ایران کم‌کم برای چین کاهش یافته است. ولی همانند روسیه این تضعیف آستانه‌ای دارد که از آن بیشتر موجب افزایش هزینه‌های چین خواهد شد. بنابراین چین و روسیه همواره با تحریم فراگیر اقتصادی و بروز جنگ مخالف خواهند بود؛

(۱۲) چین معتقد است برنامه آمریکا برای مهار این کشور شامل ناامن کردن محیط پیرامونی در منطقه شرق و جنوب شرق آسیا، ایجاد اختلاف با همسایگان، ناامن ساختن مسیر اصلی انتقال انرژی و درگیری با کشورهای همسایه و تحت‌الحمايه آمریکا است. یکی از علل اساسی چرخش استراتژیک آمریکا در برقراری روابط دوباره با کشور میانمار و برداشتن تحریم‌ها علیه آن، قطع دسترسی چین به اقیانوس هند است. چین تنها کشوری است که مدت‌ها در نبود غربی‌ها توانست جای پای مناسبی در اقیانوس هند برای خود باز کند. سیاست دیگر آمریکا در مهار چین، طی یک چرخه ترکیبی در کشورهای پاکستان، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه سه کشور تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان تعریف شده است. برآوردها بیانگر این است که کاهش شمار سربازان آمریکایی از سال ۲۰۱۴ و موضوع انتخابات ریاست جمهوری، مقدمه شروع ناامنی‌ها در افغانستان بوده است. برنامه‌ای طراحی شده توسط آمریکا که با بخشی از طالبان و القاعده، این ناامنی به منطقه آسیای مرکزی گسترش یابد. پس با ناامنی در کشورهای این منطقه و بسترسازی برای فعالیت‌های تروریستی و افراطی‌گری، نه تنها امنیت مرزهای طولانی غرب چین با چهار کشور افغانستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان به شدت به خطر خواهد افتاد

بلکه یکی دیگر از مسیرهای تأمین انرژی چین یعنی آسیای مرکزی نیز دچار ناامنی و بحران خواهد شد. گفتنی است این موارد افزون‌بر دیگر اهرم‌های فشار علیه چین است که توسط آمریکا پیگیری می‌شود؛

۱۳) با توجه به موارد بالا، دولت چین شرایط کنونی را به‌ویژه در مناطق پیرامونی خود بسیار آسیب‌پذیر می‌بیند. بخش اعظم تحرکات اخیر دیپلماتیک و سفرهای امنیتی و نظامی آن‌ها به کشورهای منطقه، با توجه به این احساس خطر ارزیابی می‌گردد. هرگونه برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی درازمدت میان جمهوری اسلامی ایران و چین، بدون توجه به نگاه چین از آینده خود و خطراتی که این کشور را در سال‌های آتی تهدید می‌نماید، می‌تواند ما را در دسترسی به اهداف ناکام سازد. همچنین شناختن فرهنگ، روحیات و رفتارهای گذشته این کشور، این ناکامی را تشدید خواهد نمود. دولت چین تنها در حوزه‌هایی حاضر به همکاری‌های استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران است که منافع اساسی آن در خطر جدی قرار گرفته باشد. پس نوع نگاه چین به آینده و چالش‌های کلانی که برای خود تعریف و ارزیابی نموده، می‌تواند مبنایی برای همکاری‌های مشترک استراتژیک با ایران قرار گیرد (یزدان‌پناه، ۱۳۸۹)؛

۱۴) بسیاری از کشورها به دلیل ظرفیت گسترده اقتصادی چین، در حال افزایش همکاری با این کشور هستند. حضور بالاترین مقام‌های کشورهای صنعتی در چین برای جذب سرمایه این کشور نشان از فرصت‌های بسیار مناسب آن است؛

۱۵) ایران صادرات بالایی به چین ندارد. سهم صادرات به ایران از کل صادرات چین کمتر از یک درصد بوده است. در بهترین وضعیت، تنها ۸٪ درصد از کالاهای صادراتی چینی روانه بازار ایران می‌شوند. در حوزه فناوری، ایران می‌تواند بازار مناسبی برای تولیدات چینی باشد. زیرا این کالاها از نظر کیفیت نمی‌تواند وارد بازار اروپا و آمریکا شود. قیمت پایین این محصولات، در بازار ایران خریدار خواهند داشت. بازار ایران نسبت به کشورهای دیگر که ایران با آن‌ها بر سر مسایل مختلف درگیر است، برای چین اهمیت بسیار کمتری دارد. در مقابل، طی سال‌های اخیر وزن چین در اقتصاد ایران روزبه‌روز در حال افزایش است. هرچند ایران در روابط تجاری با چین، به‌ویژه در زمینه صادرات سهم چندانی ندارد و بازار پراهمیتی برای عرضه کالاهای چینی نیست، ولی همین میزان صادرات کالاهای چینی،

سهم مهمی از واردات ایران را تشکیل می‌دهد. چین دومین شریک تجاری ایران در واردات است؛

(۱۶) چین می‌تواند از طریق ایران با کشورهای آسیای مرکزی ارتباط داشته و در آینده به جای وابستگی واردات نفت دریایی از کشورهای عربی، به جریان بی‌وقفه نفت از طریق خطلوله از کشورهای آسیای مرکزی دسترسی پیدا کند؛

(۱۷) در دهه اخیر سهم واردات چین از ایران از کل واردات این کشور روندی صعودی داشته و این سهم از ۵ درصد در سال ۲۰۰۰، به ۷ درصد در ۲۰۱۱ رسیده است. با احتساب رشد واردات چین در همین دوره، حجم واردات چین از ایران در دهه گذشته ۲۰ برابر شده است. بیش از ۷۰ درصد واردات چین از ایران شامل میعانات نفتی، سوخت‌های معدنی و محصولات تقطیری است. اگر دیگر محصولات شیمیایی و معدنی که بیشتر فرآورده‌های نفتی هستند به این رقم افزوده شود، کم‌وبیش کل واردات چین از ایران را شامل می‌شود (بیش از ۹۵ درصد). یعنی رشد واردات چین از ایران به فرآورده‌های نفتی مربوط می‌شود که در راستای نیاز روزافزون چین به انرژی قابل تحلیل است؛

(۱۸) جمعیت عظیم چین، فرصت جدی برای صادرات غیرنفتی کشورمان فراهم کرده است. محصولات غذایی ایران در چین بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرد. بازار مصرفی شدید و سطح زندگی بالا، امکان صادرات غیرنفتی خوبی را فراهم نموده است. برای نمونه در سال گذشته همه محصولات خرمایی که در دست خرماداران مانده بود، در چین به فروش رفت. صادرات به چین می‌تواند نجات‌دهنده بسیاری از صنایع در حال رکود ما، به شرط داشتن استانداردهای معمولی باشد. همچنین تمام محصولات پای مرغ کشور به راحتی در چین می‌تواند فروش رود؛

(۱۹) چین در اقتصاد ایران فراتر از بخش انرژی فعالیت دارد؛ بیش از ۱۰۰ شرکت دولتی چین برای توسعه فرودگاه‌ها، بندرها، راه‌آهن و... در شهرهای بزرگ ایران فعالیت دارند. با آنکه ایران از نظر تجارت کالایی دارای اهمیت چندانی برای چین نیست، ولی از نظر تأمین انرژی، برای تداوم رشد اقتصادی چین پراهمیت است. بروز هر تنش در منطقه که به افزایش قیمت نفت بیانجامد، می‌تواند منافع چین را دچار مخاطره نماید. با سرمایه‌گذاری نکردن شرکت‌های غربی در بخش نفت و گاز ایران، فرصت مناسبی برای شرکت‌های

چینی به دست آمد (هر چند آن نیز کاهش یافت). در مجموع هر آنچه که موجب حمایت چین از ایران می‌شود به انرژی و امنیت تأمین آن برمی‌گردد. اثر دیگر عوامل اقتصادی بر انگیزه‌های چین برای حمایت از ایران بسیار کم است. اگر ایران نتواند تأمین کننده نیازهای چین باشد و در مقابل، کشورهای دیگری مانند عراق و قطر جای ایران را بگیرند، اهمیت ایران برای چین در میان مدت کاهش یافته و احتمال تمایل بیشتر چین به غرب بیشتر می‌شود. رشد مصرف نفت و گاز جهانی در آینده، بیشتر ناشی از رشد مصرف دو کشور چین و هند است. این مصرف روزافزون، اصلی‌ترین عامل در پشتیبانی کردن یا نکردن چین از ایران خواهد بود. هر چقدر ایران بیشتر قادر باشد سهمی در آینده مصرف انرژی چین داشته باشد، با قدرت بیشتری می‌تواند حمایت این کشور را در مناقشات بین المللی جذب نماید؛

۲۰) معمار اصلاحات چین، دنگ شیائو پینگ، توسعه اقتصادی را به عنوان راهبرد اصلی این کشور تعریف نموده است. سیاست‌های چین در همه حوزه‌ها برای انجام این آرمان تنظیم شده است. جمهوری اسلامی ایران اگر بتواند در کلیه تعاملات خود با چین، به‌ویژه در عرصه اقتصادی، با مقاصد کلان چین همپوشانی داشته باشد، با استقبال و توجه این کشور مواجه خواهد شد (طارم‌سری و همکاران، ۱۳۷۰)؛

۲۱) یکی از حوزه‌هایی که دولت چین در راستای سیاست‌های اقتصادی خود دنبال می‌کند، بین‌المللی کردن یوان در جهان است. این سیاست با هدف افزایش نقش چین در کنار رقبای قدرتمند اقتصادی دیگر است. در شرایط تحریم و فروش نفت کشورمان، از پیشنهادهای مسئولین مالی این کشور به جمهوری اسلامی ایران جایگزینی یوان بود. آن‌ها می‌خواستند تا ایران در تعاملات اقتصادی خود با چین، بر اساس ارز یوان وارد عمل شود. ضرورت جدی گرفتن موضوع استاندارد و جلوگیری از ورود کالاهای چینی بی‌کیفیت هم از موضوعات مهم است؛

۲۲) با توجه به امکان بهره‌برداری از موقعیت چین در دور زدن تحریم، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست نسبت به تدوین یک برنامه جامع و درازمدت به صورت پنهان درباره ایجاد ساختارهای ضد تحریمی در همه حوزه‌های بانکی، دفاعی، نفتی، اقتصادی و... وارد عمل شود؛

۲۳) در مسایل دفاعی و نظامی، دولت چین تا جایی موافق با قدرت یافتن جمهوری اسلامی ایران است که بتواند از توان بازدارندگی آن در برابر آمریکا و در راستای مصونیت بخشیدن به خود و مشغول نمودن آمریکا استفاده نماید. همکاری و ارائه تسلیحات دفاعی و نظامی چین به ایران با دو ملاحظه صورت می‌پذیرد: الف) دولت چین در همکاری‌های متقابل دفاعی و نظامی، مایل به قدرت یافتن بیش از حد جمهوری اسلامی ایران در منطقه نبوده و تنها در حد بالا بردن توان کشورمان در برابر آمریکا و برتری نیافتنش بر ایران این امر دنبال می‌شود؛ ب) همکاری‌های نظامی و دفاعی چین با ایران در چارچوب ملاحظات آمریکا قرار داشته و این کشور از فروش سلاح‌های پیشرفته‌ای که مخالفت شدید آمریکا، غرب و حتی روسیه را به دنبال داشته باشد اجتناب می‌نماید (یزدان‌پناه، ۱۳۸۹).

۲۴) با توجه به آنکه چین در آینده‌ای نه چندان دور، محور بسیاری از تحولات آتی خواهد بود (اشمیت، ۱۳۸۶) و پیش‌بینی می‌شود که بخش قابل توجهی از بحران‌های آینده در حوزه شرق، جنوب و جنوب شرق آسیا با محوریت چین دنبال گردد، ضرورت حضور اطلاعاتی در این کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. حضور فعال و کارآمد اطلاعاتی در حوزه چین با هدف ایجاد اشرافیت اطلاعاتی، رصد تحولات کشور چین در عرصه دوجانبه، منطقه و بین‌الملل، گسترش همکاری‌های تبادل فنی و امنیتی با کشور چین در حوزه‌های ضد تروریسم و افراط‌گرایی.

اولویت‌های همکاری تهران- پکن برای گسترش مناسبات

مناسبات پکن- تهران طی چند سال گذشته رشد کمی قابل ملاحظه‌ای داشته، ولی رشد همه‌جانبه در ابعاد مختلف را تجربه نکرده است. برای نمونه، با اینکه زمینه‌های همکاری متنوع شده، ولی مناسبات دوسویه در بخش‌های فرهنگی، پژوهش و فناوری و هایتک در اندازه‌های مورد انتظار تعریف نشده است. این تا حدودی به بی‌توجهی از جانب طرف‌های ایرانی مربوط می‌شود. جا دارد موضوع از دستگاه‌های ذی‌ربط پیگیری گردد. از جمله اقدامات ضروری برای تقویت حضور کشورمان در چین و افزایش شناخت نسبت به واقعیت‌های پکن، پیگیری و انجام برنامه‌های زیر است (قاضی‌زاده و طالبی‌فر، ۱۳۹۰):

۱- استفاده از منابع مالی ایران در چین به منظور سرمایه‌گذاری در چین و هنگ‌کنگ به جای حبس منابع در بانک‌های چینی؛

- ۲- استفاده از ظرفیت منطقه آزاد شانگهای برای تأسیس مراکز مالی به منظور انتقال وجوه از چین؛
- ۳- تشویق سرمایه‌گذاران چینی به سرمایه‌گذاری در داخل ایران با استفاده از ضمانت‌های بانکی که بر مبنای سپرده‌های بانکی دولت ایران در چین صادر می‌شود؛
- ۴- ایجاد رایزنی فرهنگی مستقل و دارای امکانات، نیرو و ابزار کافی؛
- ۵- افزایش کادر کارشناسی و تربیت متخصصین امور چین: شمار نیروی کارشناسی موجود به هیچ‌روی پاسخگوی نیازهای واقعی نیست. افزون‌بر اینکه هیچ برنامه‌ای برای تربیت نیروهای متخصص مسایل چین در دستور کار نیست؛
- ۶- تربیت مترجم: همه وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات چینی مترجمین مجرب آشنا به زبان‌های مختلف از جمله زبان فارسی را در خدمت دارند. متأسفانه وزارت امور خارجه کشورمان از مترجم مجرب زبان چینی برخوردار نیست. سفارت ایران در چین نیز به مدت ۴ سال از یک فرد ایرانی مسلط به زبان چینی محروم است؛
- ۷- همکاری‌های استانی: جمهوری خلق چین از ۳۴ واحد کشوری در سطح استان تشکیل یافته است. هر یک از استان‌های چین (به‌خاطر وسعت سرزمینی و جمعیت زیاد و حجم بالای مبادلات تجاری با خارج) در اندازه یک کشور قابل احتساب هستند. در وضعیت موجود، تمرکززدایی و خارج کردن بخشی از کار حوزه دولتی به حوزه‌های استانی اهمیت دارد؛
- ۸- راه‌اندازی خطوط هوایی بیشتر با شهرهای مختلف چین: در حال حاضر هواپیمایی ایران‌ایر دارای خط مستقیم پرواز به پکن (هفته‌ای یک پرواز) و هواپیمایی ماهان دارای خطوط پروازی به شهرهای شانگهای و گوانگ‌جو است. با توجه به ظرفیت‌های قابل تصور برای کشور چین در حوزه‌های مختلف توریستی، تجاری، فرهنگی، ورزشی و...، این کشور از ظرفیت‌های لازم برای راه‌اندازی خطوط هوایی بیشتر برخوردار است. بدیهی است، جذب مسافران ایرانی و خارجی مستلزم افزایش کیفی خدمات‌دهی از سوی شرکت‌های هواپیمایی کشورمان است؛
- ۹- تشویق بخش خصوصی برای مشارکت بیشتر در نمایشگاه‌ها و گردهمایی‌های بین‌المللی: با توجه به اهمیت روزافزون پکن در مناسبات بین‌المللی، در حال حاضر بسیاری از نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها، سمپوزیوم‌ها و... در آن کشور برگزار می‌شود. ولی متأسفانه کمتر کارشناسان و مدیران ایرانی در آن‌ها مشارکت فعال دارند؛

۱۰- درک این مهم که شرایط کشور چین به عنوان یک بازیگر نوپای بین‌المللی متغیر است و هرگونه حرکت و تاکتیک جدید دربارهٔ مناسبات با چین نیاز به مشاوره و بررسی آن به‌ویژه در محیط دارد، این امر ضرورت رایزنی و همکاری پیوسته میان نهادها و سازمان‌های مختلف را ضروری می‌نماید؛

۱۱- تشکیل کمیتهٔ مشترک در زمینه گفت‌وگوی فرهنگ‌ها میان ایران و چین به عنوان نمایندگان تمدن کهن شرق و همکاری‌های حقوق بشری و تأسیس مرکز یا مؤسسهٔ مطالعات آسیا (شرق و غرب آسیا) و همچنین ایجاد رشته‌های تخصصی دانشگاهی (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری)؛

۱۲- تأکید بر ایجاد هویت واحد آسیایی و اهمیت همگرایی منطقه‌ای و مبارزه با یک‌جانبه‌گرایی و هژمونی آمریکا در منطقه؛

۱۳- ایجاد تعادل و ساماندهی در رفت و آمد هیئت‌های دو طرف و تخصصی کردن سفر مقام‌های ایرانی به چین؛

۱۴- ایجاد مناسبات هدفمند میان حزب کمونیست چین با ارگان‌های تأثیرگذار داخل به منظور ایجاد ارتباط نزدیک‌تر با نهادهای قدرت و تصمیم‌گیری در چین؛

۱۵- ایجاد سازوکاری برای تقویت حمایت متقابل در مجامع بین‌المللی با تبادل هیئت‌های کارشناسی و برگزاری سمینارهای دوجانبه و بین‌المللی در زمینه‌های مختلف از جمله حقوق بشر، کمک به کشورهای توسعه نیافته، عضویت در سازمان تجاری جهانی و...؛

۱۶- با توجه به اهمیت روزافزون و جایگاه سازمان همکاری‌های شانگهای در معادلات منطقه، تدوین سیاستی اصولی برای تقویت همکاری با کشورهای مهم سازمان از جمله چین (یزدان‌پناه، ۱۳۸۹)؛

۱۷- ساماندهی همکاری‌های امنیتی به‌ویژه در ارتباط با مبارزه با گروه‌های افراطی و تروریستی.

نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد ارائهٔ ملاحظات، ظرفیت‌ها و بسترهای مناسب برای گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران و چین است. در این راستا با توجه به متون علمی و اسناد موجود مجموعه‌ای از ملاحظات در ابعاد مختلف به صورت تحلیلی ارائه شد. برپایهٔ ملاحظات ذکر شده، اولویت‌های همکاری تهران- پکن، تبیین شدند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نیاز به

گسترش روابط با کشور چین برپایه توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایی که این کشور طی سال‌های اخیر در نظام جهانی یافته، امری لازم است. در این راستا و با توجه به سیاست‌های کلان و راهبردهای نظام جمهوری اسلامی در تقابل با استکبار جهانی، گسترش روابط با کشورهایمانند چین که افزون‌بر قدرتمند بودن در تضاد سیاسی و راهبردی با کشور آمریکا هستند، می‌تواند در دستیابی به اهداف تاکتیکی و راهبردی نظام جمهوری اسلامی نقش داشته باشد.

کشور چین دارای سیاست‌های مشخصی در رابطه با ایران است. ولی جمهوری اسلامی از یک راهبرد مشخص برای رابطه با این کشور برخوردار نیست. نبود یک راهبرد مشخص در رابطه با چین به عنوان یک بازیگر اصلی در روابط بین‌الملل، منجر به نبود یک سازوکار مشخص در روابط ایران با چین شده است. نبود این سازوکار و راهبرد، در واقع باعث شده ایران به تبع تغییر دولت‌ها و تغییر روابط ایران با غرب، روابطش با چین دچار نوسان شود. همان‌گونه که در متن مقاله اشاره گردید، چین برای رابطه با ایران به دنبال ایجاد تعادل در روابط ایران با غرب و آمریکا است، به نحوی که نه رابطه ایران و غرب و آمریکا مسالمت‌آمیز و عمیق باشد و نه ایران بی‌توجه به قوانین بین‌الملل و رابطه پرتنش با غرب و آمریکا باشد. در این حالت رابطه چین با ایران نیازمند یک رابطه راهبردی بلندمدت است که تحت تأثیر تغییر دولت‌ها و تغییر سیاست‌های جزئی قرار نگیرد. رابطه راهبردی با چین نیازمند ملاحظاتی است. این ملاحظات نشان می‌دهد که رابطه از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار بوده و کشور ایران اگر ملاحظات روابط با چین را مدنظر قرار ندهد، متضرر اصلی روابط با چین است. باید در نظر داشت در صورت رعایت ملاحظات ذکر شده در متن مقاله و نگاه راهبردی به روابط با چین، مزیت‌های قابل توجهی برای جمهوری اسلامی ایجاد می‌گردد.

کتابنامه

- اشمیت، هلموت (۱۳۸۶). چین ابرقدرت آینده، ترجمه هادی بلوری، تهران: قطره.
- شریعتی نیا، محسن (۱۳۹۱). «عوامل تعیین کننده روابط ایران و چین»، نشریه روابط خارجی، دوره ۴، شماره ۲، پیاپی ۱۴۵.
- صادقی، سیدشمس‌الدین و کامران لطفی (۱۳۹۴). «تحلیل ماهیت همکاری در روابط جمهوری اسلامی ایران و چین (۱۳۶۸-۱۳۹۴)»، نشریه روابط خارجی، دوره ۷، شماره ۲، پیاپی ۲۶.
- طالبانده، سمیرا و ابراهیم متقی (۱۳۸۹). «عمل‌گرایی مرحله‌ای در روابط ایران و چین ۲۰۱۰-۲۰۰۱»، نشریه علوم سیاسی، شماره ۱۳.
- طارم‌سری، مسعود، عبدالرحمن عالم و بهرام مستقیم (۱۳۷۰). چین: سیاست خارجی و روابط با ایران (۱۳۲۸-۱۳۵۷)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عسگرخانی، ابو محمد؛ مکرمی پور، محمدباقر و محمدی، سبحان (۱۳۹۸). «امکان‌سنجی همکاری چین و ایران در آسیای مرکزی بر پایه آراء نواقع‌گرایی»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۸، بهار.
- غفاری، مسعود و شهروز شریعتی (۱۳۸۷). «امکان‌سنجی گسترش روابط راهبردی ایران و چین از منظر نظریات اتحاد و همگرایی»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، شماره ۱.
- قاضی‌زاده، شهرام و عباس طالبی‌فر (۱۳۹۰). مناسبات راهبردی ایران و چین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قهرمانی، محمدجواد و حق شناس، محمدرضا (۱۳۹۶). «دیپلماسی نوین هند و نگرش این کشور به سازمان همکاری شانگهای»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۱، شماره ۳، زمستان، صص ۸۷-۶۹.
- یزدان‌پناه، کیومرث (۱۳۸۹). اتحادیه شانگهای چشم‌اندازها، بیم‌ها و امیدها، تهران: علمی و فرهنگی.